

## آخرالزمان در سینمای آنها و غفلت ما

به انگیزه سالگرد آغاز امامت منجی عالم بشریت  
حضرت حجت بن الحسن العسكري

در کتب و اسناد منتشره آمده است که بنا بر اعتقاد وانجلیست‌ها (مسیحیان صهیونیست)، با آغاز هزاره جدید و عبور از برج حوت (ماهی) به برج حمل (بره)، زمان اقدام برای فراهم آوردن زمینه‌های ظهور مسیح موعودشان فراهم آمده است. به عبارت دیگر آنان بر این باورند که جهان به آرمادون و آخرالزمان مورد نظر آنها بسیار نزدیک شده و حالا نوبت عمل فرا رسیده است. اگرچه دیرزمانی است برنامه خویش را برای روز موعودشان به نام «آرمادون» شروع کرده‌اند. وانجلیست‌ها بر این باورند که مسیح دوباره ظهور کرده و در آخرالزمان جنگ و ویرانی بزرگی (آرمادون) اتفاق افتاده و بعد از آن ویرانی، حاکمیت آنها تا هزار سال برقرار خواهد بود.

زینب تقوایی، تهیه‌کننده:

### دنبال نوآوری در لوکیشن‌ها باشیم

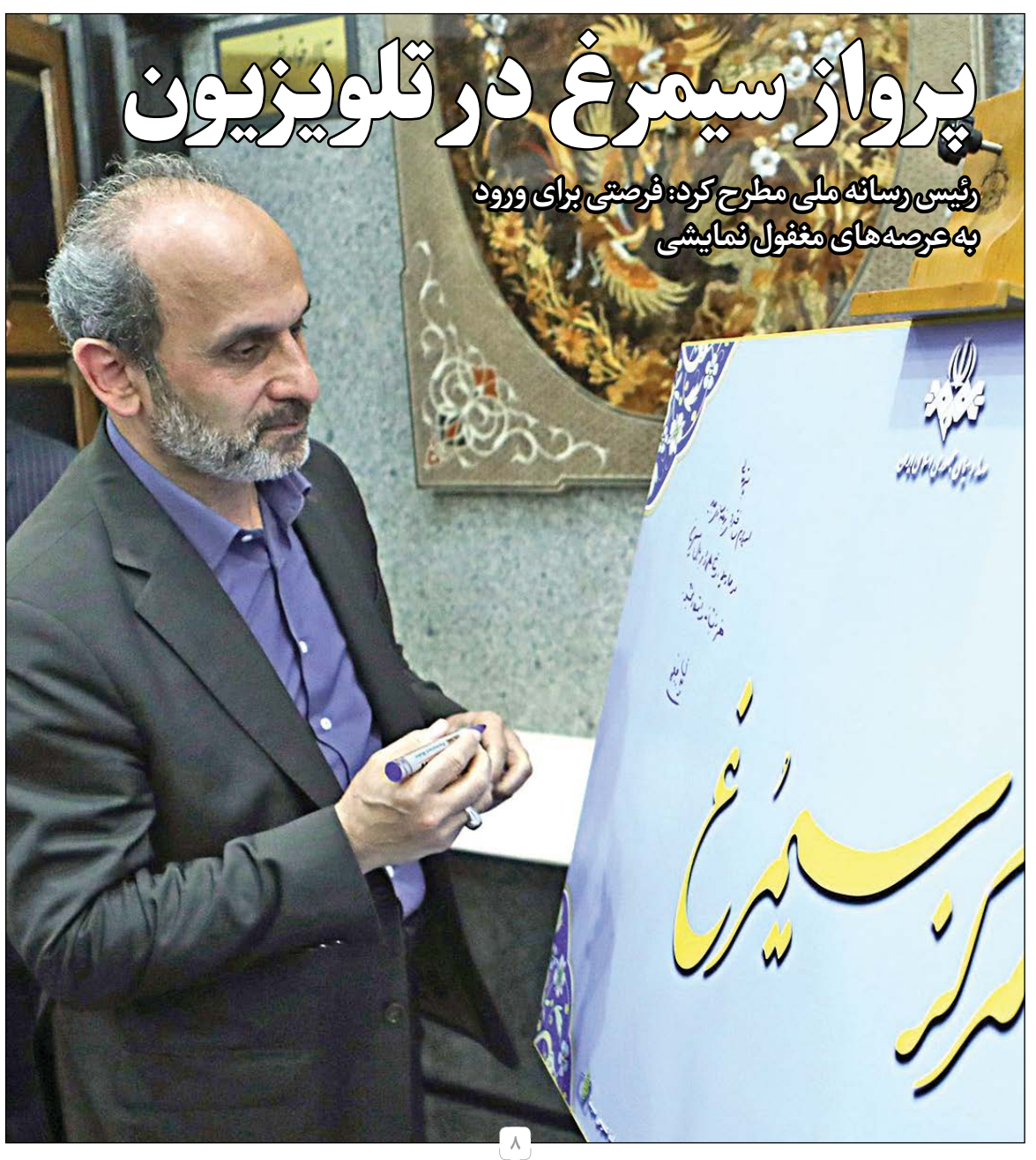
روزهای پایانی هفته همراه با فیلم‌های تلویزیون  
مواجهه ماری کوری  
با ماموریت غیرممکن

### موانع رسیدن به ادبیات آرمانشهری

بررسی پرسش‌های نبرد اخبته در ادبیات آخرالزمانی در ادبیات کشور ما، پیش‌فرض‌هایی دارد. مثلا وقتی ما در معارف و روایات‌های دینی مان جست‌وجو می‌کنیم؛ درباره آخرالزمان مواردی را مطرح کرده‌اند. برخی از این روایات‌ها در رابطه با پیش‌بینی آینده بشر و آینده جهان. به صورت مشخص نیز درباره مدینه فاضله، آرمانشهر و شرایط ظهور روایت به میان آمده است. از این دست موضوعات در حوزه معارف ما بسیار زیاد است. اگر بخواهیم این حوزه را گسترش دهیم و از آن در حوزه ادبیات مسأله ایجاد کنیم، بدان معناست که باید انتظار داشته باشیم ادبیات داستانی ما درباره موضوعاتی از این قبیل، اثر تولید کند و در نهایت انتظار به وجود آمدن یک ژانر آثار داشته باشیم، به نظر من وفور برخی مفاهیم دینی و روایی، لزوماً به معنای این نیست که انتظار داشته باشیم ادبیات نیز در نهایت به یک ژانر تبدیل شود. این مسأله بدان برمی‌گردد که باید بدانیم گونه‌های ادبی یا ژانرهای ادبی در یک جامعه، خاصه جامعه فرهنگی ایران و خاصه‌تر ایران معاصر چگونه رخ می‌دهد. باید بدانیم ادبیات از چه عواملی تاثیر می‌پذیرد تا حرکت جمعی موضوع محور پایداری را در یک جهتی دنبال کند که نتیجه آن شکل‌گیری گونه است. اگر یک بررسی کلی داشته باشیم، می‌بینیم موضوعاتی وجود دارند که در حوزه معارفی روایت درباره آنها نداریم. مثل ژانر دفاع مقدس. درباره اصل چهار روایت داریم ولی اصل دفاع مقدس در روایات مذهبی وجود ندارد اما به عنوان یک ژانر برجسته و پر مخاطب ادبی پس از دفاع مقدس به وجود آمد. همچنین درباره انقلاب اسلامی ما روایتی در معارف دینی نداریم با وجود این که درباره نظام و حکومت اسلامی روایات متعددی وجود دارد اما این بدان معنا نیست که ادبیات لزوماً از منابع روایی دینی استفاده کند و به یک دستاوردی برسد. آن چیزی که ادبیات در بستر آن یک حرکت جمعی پدید می‌آورد، عوامل متعددی در آن دخل هستند. از جمله مخاطب، نیازها مخاطب و مخاطب پرورش یافته در حوزه ادبیات. نکته بعدی که بسیار اهمیت دارد، اتفاقاتی که رخ می‌دهند، سرمشک‌آینده موضوع برای نویسندگان می‌شود. بنابراین بین این موارد باید توازن رخ دهد. اگر بخواهیم مسأله ادبیات آخرالزمانی را توسعه دهیم، دو حاشیه در بررسی مسأله به وجود می‌آید. در وهله اول می‌بینیم ما در ادبیات داستانی مان درباره بسیاری موضوعات دیگر کار انجام ندادیم و عملاً این تصور ایجاد می‌شود که ادبیات در گوشه‌ای نشسته و بسیاری از موضوعات را در جامعه را رها کرده است. نکته دیگر این است که ما دچار این تصور می‌شویم که ادبیات با اتهام‌های متعددی مواجه است. چرا که در بررسی؛ مثلا چند کتاب و رمان برای پیامبر اکرم (ص) نوشته‌ایم؟ درباره حضرت ولیعصر (عج) چند رمان داریم؟ اکنون مسأله آرمانشهر آخرالزمانی است اما ما درباره موعود و نجات‌دهنده بشریت هم رمان نداریم. مطالبه، مطالبه غلطی نیست اما انتظار ظهور ژانر نیازمند بررسی علل خاص خودش است. همچنین در بررسی این مسأله، سه پیش‌فرض برای ادبیات قابل طرح است. ادبیات در بحران، ادبیات پیشابحران و ادبیات پسابحران. بحران در اینجا به معنای عام کلمه و هر واقعه و اتفاقی در جامعه است. ما نمونه ادبیاتی که مثلا درگیر آن بودیم، ادبیات در بحران در دوره دفاع مقدس است. در دوره دفاع مقدس ادبیات در بحران پدید آمد. گونه دیگری از ادبیات بحران که بسیار جدی است، ادبیات پسابحران است. طیف‌های مختلف اعم از روشنفکر و متعهد، تلاش می‌کنند موضوعات گذشته را برای روایت انتخاب کنند و نه موضوعات حال یا در حال انجام. البته شاید بهانه‌های بسیاری را برای نبرد اخبته ادبیات به موضوعات فعلی و در حال وقوع بیان می‌کنند. مثلا نویسندگان روشنفکر در دهه ۶۰ این را بیان می‌کردند که یک واقعه به طور کامل باید به اتمام برسد تا تمام روایای آن روشن شود و بعد نویسنده درباره آن بنویسد. یا این را بهانه می‌کردند که باید از واقعه بگذرد تا اتفاق در ذهن نویسنده رسوب کند و نویسنده از آن بنویسد. واقعیت اما به این شکل نبود. ادبیات در نمونه‌های جهانی در زمان بحران توانسته است که خودش را به بحران برساند. بنابراین یک روال عمومی در ادبیات بحران و گرایش به ادبیات پسابحران در کشور ما وجود دارد. یعنی عمدتاً به واقعه‌ای که در گذشته رخ داده است، می‌پردازیم. صورت دیگر، ادبیات پسابحران است. یعنی بحران پیش‌بینی و آن را پیش از وقوع پیش‌بینی کند. این گونه، گونه‌ای متروک در ادبیات کشورمان است. این که چرا ادبیات ما نمی‌تواند به استقبال موقعیت و موضوعاتی که هنوز رخ نداده است، برود هم دلایل خودش را دارد. یکی از شاخه‌های ادبیات پسابحران آرمانشهر است و یک شاخه دیگر می‌تواند همین رمان‌های تخیلی و فانتزی است. نویسندگان امروز ما بیشتر تجربی نویس هستند. ما اکنون در ادبیات دفاع مقدس دچار تجربی‌نویسی شده‌ایم. تجربی‌نویسی یک جنبه عقلی دارد. بر این اساس قادر به انتزاع کلیات نیستیم و تنها از تجربی‌نویسی محسوس به دست می‌آید. ادبیات پسابحران تجربی نیست چرا که هنوز اتفاقی رخ نداده که بتوان از آن جزئی نوشته شود. برای همین نوشتن از پسابحران یک حرکت عقلی-انتزاعی را لازم دارد. ضمن این که ادبیات پسابحران یک منطقه عالی لازم دارد تا بتواند در ساخت آینده‌پژوهی؛ آینده را پیش‌بینی کند. این تصور ژرفی می‌خواهد چرا که بحث نوشتن از آینده صرفاً خیالی‌بافی نیست، چنان که مثلا در ژانر علمی-تخیلی که شاید ژانر راحت این شاخه است، کاملا مبتنی بر نظریات علمی یافته شده است. این موانعی است که رسیدن ما به ادبیات آرمانشهری یا آخرالزمانی را دشوار می‌کند.

## پرواز سیمرغ در تلویزیون

رئیس رسانه ملی مطرح کرد: فرصتی برای ورود  
به عرصه‌های مغفول نمایشی



گفت‌وگو با مازیار مهاجر  
تهیه‌کننده برنامه «سلام تهران»

### مطالبه‌گری برای اهالی یک شهر

حتما افسردگی را دیده‌اید که هر روز به محض بیدار شدن عادت دارند تلویزیون را روشن کرده و برای اطلاع از اخبار روز و مرور روزنامه‌ها یا ایجاد نشاط ابتدای صبح، بیننده برنامه‌های صبحگاهی شوند. به همین دلیل ساخت چنین برنامه‌هایی و جذب مخاطبان کار ساده‌ای نیست و...



### سبک زندگی

«جام جم» اهمیت تشخیص اخبار واقعی از غیرواقعی را بررسی می‌کند

### یک کلاغ چند میلیون کلاغ!

یکی می‌گوید و دیگری تکرار می‌کند؛ این تکراری‌ترین روشی است که مدت‌هاست در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی حاکم شده و جریان دارد. هرکسی هر خبری را می‌بیند، بدون در نظر گرفتن منبع...

### گزارش

داستان نویسان ایرانی کم‌کاری کرده‌اند

## رمان‌های آخرالزمانی

آخرالزمان در ادبیات، به خصوص داستان‌نویسی مدرن، موضوع و سوژه‌ای جذاب بوده است. البته نویسندگان هرکدام از موضع و نگاه خود به این سوژه نزدیک شده‌اند. در ادبیات امروز جهان این سوژه در نیمه پایانی قرن بیستم و قرن جاری موضوع رمان‌های قابل بحث زیادی بوده است.

در این نوشتار برخی کتاب‌های مشهور در این موضوع را با هم مرور می‌کنیم و البته باید این موضوع را هم یادآوری کرد که این سوژه در ادبیات داستانی ایران چنان مغفول مانده که ناچار باید به مرور آثار ادبی غرب بسنده و آرزو کرد روزگاری این غفلت در ادبیات ما با تولید آثار جذاب و خواندنی برطرف شود.

### فازنه‌های ۴۵۱

«فازنه‌های ۴۵۱» هم از رمان‌های مشهور آخرالزمانی است که سال ۱۹۵۳ توسط ری بردبیری، نویسنده آمریکایی نوشته شده است. اواز دنیایی صحبت می‌کند که در آن آگاهی و دانش ممنوع شده. نماد این آگاهی، کتاب است و به جای آن، قرص‌های شادی بخش، مخدر و تصویرهای محرک در این جامعه رواج دارد. جامعه‌ای که در آن انسان‌ها را با سرگرمی‌های حقیر سرگرم کرده‌اند تا درباره خود، دنیا و جهان پیرامونشان آگاهی کسب نکنند. طبق معمول در اینجا هم با طغیان رو به رو هستیم. معمولاً در کتاب‌های قرن بیستمی با طغیان فرد در برابر جامعه مسلط روبه‌رویم، چرا که در آن زمان هنوز طغیان‌آمیزهای فاشسیسم و نازیسم در گوش‌ها طغیان‌انداز بود و از سوی دیگر استبداد کمونیستی بر جهان حاکم بود. در فازنه‌های ۴۵۱ هم بالاخره یک مأمور به آتش‌زدن کتاب‌ها و آنچه در پیرامونش می‌گذرد، شک می‌کند و همین باعث می‌شود این جهان آخرالزمانی با چهره‌ای تازه روبه‌رو شود و بنیادهاش فرو ریزد و انسان‌ها به سمت آگاهی پیش بروند. احتمالاً فیلمی به همین نام را ساخته تروفو در تلویزیون خودمان دیده‌اید. البته مایکل مور، کارگردان آمریکایی، عنوان فیلم «فازنه‌های ۹/۱۱» را با نگرش بر این کتاب انتخاب کرده و معتقد است فازنه‌های ۹/۱۱، درجه حرارتی است که آزادی را به آتش می‌کشد.

در وجود اوست از سوی پدرش، فرشته خطاب می‌شود و پدر برای نجات این اندک انسانیت بر جای مانده همه چیز خود را فدا می‌کند.

### دنیای قشنگ نو

این رمان نوشته آلدوکس هاکسلی، نویسنده مشهور قرن ۲۰ آمریکاست. رمان، پیشگویانه از دنیایی صحبت می‌کند که در آن مهندسی، ژنتیک انسان‌ها را دستکاری و با ژن‌فرونی می‌کند، روایتی از جهانی که در آن همه چیز توسط فناوری‌های دست‌ساز بشر تدوین و مهندسی می‌شود. انسان‌ها به هم شبیه شده‌اند و با کنار گذاشتن هر چیزی که رنگی از ممنوعیت دارد، اصالت لذت به عنوان اصلی و غیرقابل خدشه در زندگی انسان‌ها جاری و ساری است. هاکسلی در این رمان از «فورده» به عنوان سمبل جامعه آمریکای صنعتی استفاده می‌کند و از جامعه فوردی به عنوان جامعه‌ای که در آن مذهب، اخلاق و ممنوعیت کنار رفته و به جایش لذت جویی، رفاه و دنیاطلبی رواج یافته، صحبت می‌کند. هاکسلی در این رمان، دنیایی تخیلی اما باورپذیر می‌آفریند که در آن انسان‌ها با وجود رسیدن به همه منافع مادی در برابر بی‌اخلاقی و دنیاطلبی محض در کنار از میان بردن فردیت، استقلال و عاملیت انسانی خود، طغیان می‌کنند.

### کوری

رمان «کوری» سال ۱۹۹۵ انتشار یافته و در ایران چند ترجمه از آن منتشر شده است. این کتاب که نوبل ادبیات سال ۱۹۸۸ را برای نویسنده‌اش ژوزه ساراماگو به ارمغان آورد، داستانی بدون زمان و مکان از دنیایی است که همه انسان‌ها در آن به نوعی کوری عجیب دچار می‌شوند. داستان این کتاب، نقدی صریح بر آشفتگی اجتماعی دنیای معاصر و سردرگمی انسان‌های امروز است که در سخت‌ترین وضعیت ممکن نیز در حال تلاش برای سلطه‌گری و زورمداری هستند. رمان از جایی شروع می‌شود که در یک شهر مردم یکباره بینایی خود را از دست می‌دهند و هاله‌ای سفیدرنگ جلوی چشمانشان را می‌گیرد. ساراماگو در این رمان دیدگاه خود را درباره مفاهیمی چون عدالت اجتماعی و عقل‌گرایی مدرن در برابر مخاطبانش قرار می‌دهد. از این رمان مشهور، البته فیلمی هم ساخته شده که به ادعای اغلب منتقدان با رمان فاصله زیادی دارد و برای لذت بردن از قدرت تخیل نویسنده، بهتر است همان رمان را بخوانید.

### جاده

این رمان هم که براساس آن فیلمی ساخته شده به نظر می‌رسد همچنان خواندن کتاب با وجود ضعف‌هایی که ترجمه فارسی آن دارد از فیلم بهتر است. این کتاب به روایت سفر پدر و پسر در جاده‌های آمریکا بعد از یک جنگ خانمانسوز می‌پردازد. سفری برای بقا در دنیایی که همه چیز آن بر باد رفته و تباہ شده است. نویسنده کتاب کورمک مگ‌کارتی است و روایتی تکان‌دهنده از دنیایی برابر چشم مخاطبانش قرار می‌دهد که در آن دیگر هیچ گیاهی نمی‌روید و فقط انسان‌های اندکی باقی‌مانده‌اند که همان‌ها هم در حال نابودی هستند؛ انسان‌هایی که از مرتبه انسانی خود تنزل کرده‌اند و برای زنده ماندن به خوردن یکدیگر روی آورده‌اند. خشونت، بی‌رحمی و مرگ جایی برای انسانیت باقی نگذاشته و پدر و پسر داستان در حال فرار از این دنیای تباہ و مرگ زده هستند، پسر با کودک که هنوز معصومیت و انسانیت

### ۱۹۸۴

جورج اورول را گرچه نویسنده‌ای ضدکمونیست می‌دانند اما رمان‌های او به خصوص این یکی، وجهه و دیدگاهی آخرالزمانی دارد؛ طغیان انسان‌های ضعیف در برابر نظام‌های مستحکم و اراده انسان برای تغییر دنیایی که در آن مستحکمان قصد تحقیر او را دارند. اگر از وجهه ضد کمونیستی و سیاسی کتاب در زمان خود فاصله بگیریم و با نگاهی فرازمانی به این کتاب بنگریم، می‌بینیم که اورول در این اثر خود هم سخت به مستبدان تاریخ حمله کرده است. رمان، جامعه‌ای را به تصویر می‌کشد که در آن حزب، همه مقدرات انسانی و اجتماعی انسان‌ها را تحت انقیاد خود درآورده است. در این میان یک انسان معمولی در برابر دستورات حزب ایستادگی می‌کند.

### روستای محوشده

ارتباطات، اصلی اساسی در زندگی انسان‌های امروز است و اگر این مفهوم دچار اختلال شدید و ناگهانی شود، وضعیت معمول زندگی انسان‌ها به هم می‌ریزد. این رمان، روایت اهالی یک روستای کوچک فرانسه است که یک روز صبح متوجه می‌شوند ارتباطشان با دنیای بیرون قطع شده، خودروهایشان از کار افتاده و تلفن و اینترنت‌شان کار نمی‌کند و اهالی روستا ناگهان می‌فهمند از دنیای بیرون جدا افتاده‌اند. تکاپوی مردم برای زنده ماندن، ایجاد انواع و اقسام جیره‌بندی‌ها و کنار گذاشتن روابط معمول زندگی مدرن، نشان می‌دهد انسان آخرالزمانی تا چه حد برای بیرون آمدن از وضعیت که در آن گرفتار شده، نیاز دارد از عادت‌های معمولی زندگی مدرن خارج شود. نویسنده کتاب، برنار کی‌رینی تمرکز خود را بر مقوله بحران در کتاب نشان می‌دهد. بحران بزرگی که در آن انسان تمدن معمول، رفتارهایی جدید و عجیب از خود بروز می‌دهد و معیارهای اخلاقی جدیدی برای شرایط تازه‌اش می‌آفریند. جالب است بدانید نویسنده این رمان، خود دکترای حقوق دارد و به همین دلیل موضوع حقوق انسانی، معیارهای قضاوت و اخلاق در بحران را در رمانش به خوبی پرورده است.

